

متن پرسش

سلام: به یک نتیجه ای رسیدم که می خواستم در جهت درست یا اشتباه بودن آن، مرا را راهنمایی کنید. با توجه به محیط و واقعیت جامعه آن چیزی که درونا هست و آن چیزی که از بیانات رهبری متوجه می شوم، این است که ملت ایران پایبند به انقلاب و اسلام هستند ولی گاهی اوقات از طرف قشر حزب الهی این خط کش بسیار حساس تر و ریزتر و با ملاک های جزئی سنجیده می شود. احساس می کنم همه ما در ظاهر و اسم انقلاب و ولی فقیه مانده ایم و می خواهیم همین اسم را بشنویم از اطرافیان تا او را وفادار به انقلاب تلقی کنیم. در حالی که کسی که به هر دلیلی و با هر انگیزه ظاهری از وضع مردم کشورش ناراحت است، او هم دارد انقلابی فکر می کند و در جهت انقلاب حرکت می کند؛ حالا می توان سطح آن را با وسواس تعیین کرد چون انگیزه و یا رویکرد ایشان برای حل معضلات مورد سوال است ولی معمولاً یک نگاه صفر و صدی صورت می گیرد و با الفاظ به سمت اصلاح جامعه می رویم تا عمل. بنده این جور مواقع تازگی ها سکوت می کنم با اینکه می دانم طرف حق و حرف چیست ولی حس من این است که الان زمانه گفتن و فقط حرف زدن و پافشاری بی حساب نیست و جوانان انقلابی شاید لازم است به سمت عمل و علمی کار کردن (عقل تکنیک) بروند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده بر نقطه‌ی مهمی انگشت گذاشته‌اید و در این بستر است که «تفکر» شروع می‌شود و برعکس آن، ما با کلامی‌شدن اندیشه‌ی سیاسی بیشتر سعی می‌کنیم رقیب را حذف کنیم در صورتی‌که باید با عقل سیاسی انقلاب اسلامی در عالم حاضر شویم و مسائل جزئی که عارض بر انقلاب شده است را، مهمان‌های ناخوانده‌ای بدانیم که دیر یا زود می‌روند، البته با کمی حوصله و سعی صدر. لذا باید مراقب اصول کلی انقلاب بود. به نظر می‌رسد در حرکات و تحلیل‌های بعضی از نیروهای انقلاب، مرکز جابه‌جا شده است و به جای آن‌که با رهبری، انقلاب را ادامه دهیم؛ از رهبری می‌خواهیم که برود و انقلاب را ادامه دهد و ما بنشینیم ببینیم ایشان چه کار می‌کنند. مثل آن‌که وقتی بنی‌اسرائیل به دروازه‌ی شهر عمالقه رسیدند به حضرت موسی «علیه‌السلام» گفتند: «إِنَّا لَن نَّذْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (۲۴/مائده) ما داخل شهر نمی‌شویم، همین‌جا می‌نشینیم، تو و پروردگارت بروید و با آن‌ها بجنگید تا ما وارد شویم. موفق باشید